

به نام خدا

# یکی بود یکی نبود.....

اهمیت، روش و مهارت قصه گویی



## فهرست مطالب

- ۱- اهمیت و کارکردهای قصه‌گویی..... ۱
- ۲- چگونه قصه‌گویی کنیم؟..... ۲
  - ۱-۲- انتخاب قصه ..... ۲
  - ۱-۱-۱- چه چیز قصه‌ای را شایسته‌ی نقل می‌کند؟ ..... ۳
  - ۱-۱-۲- چه نوع قصه‌هایی برای قصه‌گویی مناسب است؟ ..... ۳
  - ۱-۱-۳- یک قصه‌گو چگونه می‌تواند بهتر انتخاب قصه کند؟ ..... ۵
  - ۲-۲- آماده‌سازی ..... ۵
    - ۱-۲-۲- مهم‌ترین نکات در آماده‌سازی قصه کدامند؟ ..... ۶
    - ۲-۲-۲- چگونه قصه‌گو قصه‌ای بلند را کوتاه می‌کند؟ ..... ۷
    - ۲-۲-۳- چگونه قصه‌گو قصه‌ای کوتاه را وسعت می‌بخشد؟ ..... ۷
    - ۲-۲-۴- آیا قصه‌گو باید کلمات خود را به کار برد یا بهتر است از واژه‌های نویسنده استفاده نماید؟ ..... ۸
  - ۳-۲- ارائه قصه ..... ۸
    - ۱-۳-۲- مهم‌ترین نکات در ارائه‌ی قصه کدامند؟ ..... ۸
    - ۲-۳-۲- چگونه آمادگی شنیدن ایجاد نماییم؟ ..... ۹
    - ۳-۳-۲- چگونه قصه را شروع کنیم؟ ..... ۹
    - ۴-۳-۲- اگر کودکان بی‌علاقه به نظر می‌رسند چه می‌توان کرد؟ ..... ۱۰
    - ۵-۳-۲- بهترین شیوه‌ی برخورد کردن با بی‌نظمی کدام است؟ ..... ۱۰
- ۳- قصه‌های مناسب برای گروه‌های سنی مختلف ..... ۱۰
- ۴- مکان‌ها و زمان‌های مناسب قصه‌گویی ..... ۱۲
- ۵- قصه‌گویی برای کودکان با نیازهای ویژه..... ۱۳
  - ۱-۵- قصه‌گویی برای کودکان نابینا یا کم‌بینا ..... ۱۳
  - ۲-۵- قصه‌گویی برای کودکان کم‌سال ..... ۱۳
  - ۳-۵- قصه‌گویی برای نوجوانان ..... ۱۴
- ۶- کودکان و نوجوانان در مقام قصه‌گو..... ۱۵

## یکی بود یکی نبود...

### ۱- اهمیت و کارکردهای قصه‌گویی

قصه‌گویی پیشینه‌ای به قدمت تاریخ بشر دارد لافل تا آن‌جا که زبانی وجود داشته است. گویی علاقه به شنیدن قصه را خداوند در نهاد انسان قرار داده‌است. اما به راستی چه چیزی در قصه این چنین قدرتمند است که شنونده را در هر سنی مسحور خود می‌سازد؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان به ابعاد متعدد و متنوعی در ماهیت و کارکردهای قصه‌گویی توجه کرد.

به لحاظ پیشینه‌ی تاریخی، قصه‌گویی و گوش سپردن به قصه‌ها همواره جزء یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین راه‌های انتقال تجربه بوده است. خیلی وقت‌ها قصه‌های یک قوم همچون گنجینه یا میراثی، سینه به سینه به نسل‌های بعد منتقل شده است. قصه‌هایی که گاه شنیدن و درک آن‌ها مستلزم کسب شایستگی خاصی بوده است.

به لحاظ آموزشی و تربیتی نیز قصه‌گویی، ماهیت و ظرفیتی دارد که مفاهیم در قالب آن به‌صورتی تأثیرگذار و سازنده به کار می‌رود. مفاهیمی مثل دوستی، صبر، انصاف، ظلم، دروغ‌گویی و... در قصه‌ها جان می‌گیرد و به جریان می‌افتد. این چنین است که این مفاهیم از حالتی مجرد و ذهنی به ماجرای ملموس و عینی تبدیل می‌شوند و نتایج طبیعی انتخاب‌های انسان‌ها را در قالب زندگی‌ای روایت شده آشکار می‌سازند.

همچنین، دنیای واقعی-غیرواقعی قصه‌ها به شنونده این امکان را می‌دهد که گونه‌های مختلف زندگی را تجربه و انتخاب نماید. مخاطب با شروع قصه به دنیای جدیدی قدم می‌گذارد، با محیط ارتباط برقرار می‌کند و همراه با قهرمان داستان لحظات ترس، خشم، اضطراب و عشق را تجربه می‌نماید و در فضای این تجربه به انتخاب‌هایی تازه می‌رسد. بنابراین، قصه این امکان را برای ما فراهم می‌کند که در جهان‌هایی زندگی کنیم. جهان‌هایی که نیست اما دوست داریم یا دوست نداریم که باشد. قصه به ما رؤیایی می‌دهد که در درونمان شور تغییر و دگرگونی ایجاد می‌کند. از این جهت قصه و قصه‌گویی می‌تواند ابزاری عالی برای یادآوری، فهم و تثبیت شیوه‌های صحیح زندگی و نقد شیوه‌های غلط آن باشد.

علاوه بر آنچه گفته شد در ذکر اهمیت قصه می‌توان به نکات زیر نیز اشاره نمود:

- به لحاظ زبان‌آموزی، دایره‌ی لغات کودک با گوش سپردن به قصه غنی‌تر می‌شود و از آن‌جا که او لغات جدید را در زمینه‌ی یک قصه آموخته است، آن‌ها بهتر در ذهن او ثبت می‌گردند.
- یکی از مشکلاتی که امروزه بسیاری از کودکان، حتی تا بزرگسالی، با آن درگیرند، کمبود مهارت‌های زبانی و عدم توانایی کافی برای توصیف احساسات یا بیان مقصودشان است. قصه می‌تواند ذهن را به‌خوبی با احساسات و زبان بیان آن‌ها درگیر کند. از این جهت به لحاظ انتقال معانی و ایجاد سهولت و روانی در تکلم و بیان ظرفیت و کاربرد خاصی دارد.
- از جنبه‌ی زیباشناسی نیز قصه به صورتی موزون و جذاب با کلمات کار می‌کند. به بیان دیگر، لحن کلمات و سبکی که نویسنده یا قصه‌گو با استفاده از آن، کلمات را کنار هم می‌گذارد، می‌تواند الگویی خوشایند ایجاد کند و حس زیباشناسی کودک را تقویت نماید.
- به لحاظ تربیتی و مهارت‌آموزی گوش دادن به قصه به ویژه برای کودکان کم‌سن، تجربه‌ای بسیار خاص و تقریباً معنوی است. این تجربه که اغلب مستلزم توجه کامل می‌باشد به کودک کمک می‌کند که معنایی برای زندگی بیابد و با توان و امید بیشتری در این جهان زندگی کند. او با شخصیت‌های قصه هم‌ذات‌پنداری می‌کند و آن‌ها را با موقعیت‌ها و انتخاب‌های خود مقایسه می‌کند. بدین ترتیب، قصه به ابزاری قوی جهت آموزش مفاهیم اخلاقی و مهارت‌های زندگی تبدیل می‌شود.
- در حوزه‌ی آموزش روابط اجتماعی نیز قصه‌گویی هنر گوش سپردن را به کودکان می‌آموزد. هنری که سرآغاز گفتگو، درک متقابل و برقراری ارتباط با دیگران است.
- قصه‌گویی تأثیر زیادی در ترویج کتابخوانی دارد. به عنوان مثال وقتی قصه‌گو کتابی که قصه از آن انتخاب شده است را معرفی می‌کند، از نویسنده و کارهای دیگر او سخن می‌گوید یا اشاره‌ای به بعضی داستان‌های مشابه یا مکمل می‌نماید و همین‌طور آن‌گاه که از صدها قصه‌ی حیرت‌انگیز دیگری که می‌توان در بقیه‌ی کتاب‌ها پیدا کرد تعریف می‌کند، شوق خواندن کتاب را در کودکان برمی‌انگیزد.

- قصه‌گویی در رشد عاطفی و پرورش همدلی کودکان نقشی اساسی ایفا می‌کند. در عمل، کودک با شنیدن قصه تصویرسازی ذهنی را تمرین می‌کند. او هم‌زمان با شنیدن قصه، صحنه‌ها و شخصیت‌های آن را در ذهنش خلق می‌نماید. کسب این مهارت توانایی فهم و تجسم احساسات دیگران را در او تقویت می‌کند. پرورش همدردی و انسان‌دوستی در کودک، یعنی پرورش توانایی اعجاب‌آور انسان در آشفته شدن از بدبختی دیگری و خوشحال شدن از شادی دیگری و تجربه کردن سرنوشت شخص دیگر به عنوان سرنوشت خود، یکی از اهداف مهم قصه‌گویی است.
- قصه‌گویی می‌تواند کودکان را برای شناخت شخصیت‌های گوناگون و واکنش مناسب در مقابل آن‌ها توانمند سازد. در قصه، کودک با همه‌گونه مردمی آشنا می‌شود. هرچند شخصیت‌های قصه‌های عامیانه میل به تک‌بعدی بودن دارند (که این امر نیز تشخیص خیر و شر و دیگر ویژگی‌های متضاد را برای کودک کم‌سال آسان‌تر می‌کند) اما در همین قصه‌ها هم وجود شخصیت‌های متنوع: زیبا و زشت، خردمند و ابله، بی‌ریا و حیله‌گر و طیف گسترده‌ای از احساسات همچون: حسادت، عشق، تنفر، قناعت، حرص، فریب، خشم، و همدردی، به کودک امکان شناخت و تجربه این شخصیت‌ها و احساسات را می‌دهد.
- از لحاظ تربیتی قصه‌گویی می‌تواند بیش از هر نوع موعظه و سخن‌وری تأثیرگذار باشد. چنانکه در طول تاریخ، قصه‌گویی به همان خوبی که برای سرگرم کردن کودکان مورد استفاده واقع شده برای تربیت آنان نیز به‌کار رفته است. پیام‌های تربیتی قصه چون در قالبی نزدیک به زندگی ارائه می‌شود و از نظر کودک شبیه موعظه و نصیحت نیست، برای او پذیرفتنی‌تر و قابل باور می‌گردد.
- قصه‌گویی به فهم ما از دیگران و عقایدشان کمک می‌کند. قصه به مخاطبین خود درباره‌ی زندگی و ارزش‌های شبیه یا متفاوت مردم نقاط مختلف جهان در اعصار مختلف درکی عمیق‌تر می‌بخشد.
- قصه‌گویی را می‌توان بدون وسیله یا مقدماتی پیچیده در هر محیطی اجرا کرد. شاید همین ظرفیت مثبت باشد که موجب فراگیری و جهان‌شمولی قصه‌گویی شده است.
- قصه‌گویی می‌تواند زمینه‌ای برای ایجاد رابطه‌ای گرم و صمیمی میان افراد خانواده، تحکیم روابط خانوادگی و حل مسائل خانواده فراهم کند.

## ۲- چگونه قصه‌گویی کنیم؟

قصه‌گویی در طی سه مرحله شکل می‌گیرد:

- انتخاب قصه
- آماده‌سازی
- ارائه‌ی قصه

### ۲-۱- انتخاب قصه

مهم‌ترین عامل موفقیت در کار قصه‌گویی این است که قصه‌گو به‌صورتی کاملاً طبیعی قصه بگوید، به طوری که شنوندگان فکر کنند که او قصه را براساس تخیلات، تصورات و تجربیات خودش می‌گوید و نه بر اساس آنچه خوانده یا شنیده است. در این مسیر، اولین قدم انتخاب درست داستان است. یکی از اصول مهم در انتخاب قصه این است که قصه‌گو، قصه را قبول داشته باشد. قصه‌گو باید قصه را از صفحات کتاب برگیرد و روح زندگی را در آن بدمد. این کار میسر نمی‌شود مگر این‌که قصه برای گوینده‌ی آن معنایی داشته باشد. زیرا بچه‌ها در فهم احساسات حقیقی گوینده حساس و توانا هستند. بنابراین قصه‌گو باید از محتوا، حال و هواء، و سبک داستان لذت ببرد و بخواهد که دیگران را نیز در این لذت سهیم نماید تا قصه‌ی او برای آن‌ها واقعی و باورپذیر شود.

در جستجوی این هدف، قصه‌گوی تازه‌کار ابتدا باید سعی کند که ویژگی‌های شخصیت و سبک خود را ارزیابی کند. سپس باید از خود بپرسد: «چه نوع داستان‌هایی را می‌توانم مؤثر و خوب بیان کنم؟ یا چگونه می‌توانم شخصیت خود را با قصه هماهنگ کنم به‌صورتی که هر دو بتوانیم با شنونده ارتباط برقرار کنیم؟» و بعد از آن قصه را انتخاب نماید.

دقیقاً معلوم نیست که چگونه یک قصه‌گو می‌فهمد که قصه‌ی مورد نظر خود را یافته است. وقتی قصه‌گو به قصه خاصی برخورد می‌کند میان او و قصه اتفاقی می‌افتد که گویی آن داستان خواستار بازگو شدن به وسیله‌ی آن قصه‌گوست و همان چیزی است که قصه‌گو می‌خواهد با دیگران پیوندش دهد. قصه چنان با شخصیت او درمی‌آمیزد که در او شور و حالی برای تأثیر گذاشتن بر شنونده به وجود می‌آورد. داستان طوری با ویژگی‌های گوینده هماهنگ می‌شود که قصه و قصه‌گو جزئی از یکدیگر می‌شوند.

در واقع، قصه‌گویی از تمایلی ژرف به سهیم کردن دیگران در یک تجربه لذت‌بخش و به اشتراک گذاشتن آنچه فرد، خود، عمیقاً دریافته است برمی‌خیزد. به بیان دیگر، این تمایل به واسطه‌ی ویژگی‌های شخصیتی و تجارب مهم زندگی قصه‌گو به وجود می‌آید به همین ترتیب انتخاب قصه و شیوه‌ی نقل آن نیز ویژگی‌های درونی قصه‌گو را آشکار می‌سازد. اگرچه قصه‌گو ممکن است قصه‌ای متعارف را بازآفریند، اما این تجربه‌ی شخصی او از زندگی است که قصه را نقل می‌کند و آن را واقعی جلوه می‌دهد.

درکل، توانایی انتخاب داستان مستلزم آگاهی از خود، آگاهی از ادبیات قصه‌گویی و آگاهی از گروهی است که قصه برایشان آماده می‌شود.

## ۲-۱-۱- چه چیز قصه‌ای را شایسته‌ی نقل می‌کند؟

قصه‌ی مناسب برای نقل، قصه‌ای است که حرفی با ارزش برای گفتن دارد و این حرف را نیز به بهترین شکل ممکن بیان کرده‌است. زیرا یک قصه‌ی خوب چنین مفاهیمی را بدون هر نوع تلقین و موعظه‌ای یاد می‌دهد.

از سویی دیگر، جذابیت یک قصه به شدت به سن و علایق کودک وابسته است؛ بسیاری اوقات ناآرامی و بی‌قراری کودکان در طول جلسه‌ی قصه‌گویی نتیجه‌ی انتخاب ضعیف قصه است. در کل، یک قصه‌ی خوب برای قصه‌گویی این ویژگی‌ها را داشته باشد:

- ۱- موضوع واحد و روشن
- ۲- طرحی به خوبی گسترش یافته
- ۳- پیام‌های اخلاقی پوشیده و تلویحی

## ۲-۱-۲- چه نوع قصه‌هایی برای قصه‌گویی مناسب است؟

داستان‌های مناسب برای قصه‌گویی می‌توانند بسیار متنوع باشند، در اینجا تنها به چند نوع مهم اشاره‌ای مختصر خواهیم داشت.

✓ **داستان‌های تاریخی**: قصه‌های تاریخی می‌تواند انواع مختلفی داشته باشد: زندگی‌نامه‌ی آدم‌های بزرگ و تأثیرگذار و قصه‌هایی پیرامون وقایع تاریخی مهم، روایت از زندگی خود، تاریخچه و سرگذشت خانواده یا بعضی اعضای آن، تاریخچه‌ی محله یا شهر، تاریخچه‌ی تحولات یک شیء یا پدیده (مصنوعی یا طبیعی) و... شنیدن داستان‌های تاریخی برای کودک و نوجوان از چند جهت مهم و پرفایده است:

(۱) تاریخ، داستان تلاش‌های انسان برای رسیدن به وضع موجود است و آشنایی کودک با تاریخ از این جهت حائز اهمیت است که او می‌تواند ارتباط خود را با سنت و فرهنگ دیروز و امروز بازشناسی کند.

(۲) تاریخ، ملاک پرازشی برای مقایسه‌ی زندگی کنونی و گذشته است. همچنین می‌توان با نگاه به گذشته تصویری از آینده داشت و برای آن برنامه‌ریزی کرد.

(۳) تاریخ، ابزار خوبی برای شناختن ویژگی‌های سایر ملل می‌باشد. بچه‌ها ضمن شنیدن تاریخ و فرهنگ و اخلاقیات سایر ملل جهان فرصت می‌کنند تا ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی مشترک یا متفاوت را بازشناسی و نقد نمایند.

۴) بسیاری از بچه‌ها سوالاتی پیرامون انسان‌های گذشته، شکل‌گیری تمدن‌ها، شیوه‌های زندگی آنان و... دارند و شنیدن داستان‌های تاریخی می‌تواند پاسخگوی این دسته از سؤالات باشد.

۵) روایت‌های سنجیده‌ی تاریخی برای بچه‌ها فرصتی فراهم می‌کند تا رابطه‌ی بین انتخاب‌های آدم‌ها و انواع نظام‌ها و روابط اجتماعی بر سرنوشت افراد و جامعه را ببینند و داوری کنند.

داستان‌های تاریخی به خصوص وقتی که با پرسش و تحلیل همراه شود فرصت آموزشی درخشانی ایجاد می‌کند.

✓ **قصه‌های عامیانه، افسانه‌ها و اسطوره‌ها:** افسانه‌ها قصه‌هایی هستند که نویسنده مشخصی ندارند و از بطن جامعه می‌رویند و در آن رشد می‌کنند و تغییر می‌یابند. در اغلب افسانه‌ها در کنار زندگی معمولی، ماجراهای غیر واقعی و عجیبی رخ می‌دهد. افسانه زاده‌ی تخیل ماست و از روابط علی ساده تبعیت نمی‌کند. افسانه‌ها پر از راز و رمز، نمادها و معانی‌ای هستند که به شدت روی کودکان تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال توصیف صحنه‌ی عبور از یک جنگل نیمه تاریک با درختانی بلند و درهم فرورفته و رسیدن به کلبه‌ای چوبی که از دودکش آن دودی سفید خارج می‌شود و معلوم نیست صاحبش چه کسی است هر مخاطبی را مشتاق شنیدن ادامه داستان می‌کند. در این داستان‌ها از موجوداتی افسانه‌ای نظیر جادوگرها، اژدها، غول، دیو، اسب بالدار، کوتوله‌ها و... صحبت می‌شود که کارهای خارق‌العاده و شگفت‌انگیز از آن‌ها سر می‌زند. همچنین نمادهایی مثل جنگل، دریا، کلبه، کوه و... با بخشی از وجود انسان ارتباطی تنگاتنگ دارند.

بعضی روانشناسان معتقدند: « افسانه‌ها الگویی برای غلبه بر دل‌نگرانی‌ها در اختیار کودکان قرار می‌دهند. چرا که در این داستان‌ها معماها و نگرانی‌های کودک مثل ترس از تاریکی، ترس از رها شدن یا مطرود پدر و مادر بودن و... جدی گرفته می‌شود و به طور مستقیم به آن‌ها پرداخته می‌شود. به علاوه، افسانه‌ها راه‌حلهایی ارائه می‌دهند که کودک بنا به درجه‌ی فهم خود می‌تواند از آن‌ها بهره بگیرد.

گنجاندن افسانه‌هایی سنجیده در جلسات قصه‌گویی می‌تواند از این جهات حائز اهمیت باشد:

۱) افسانه‌های سحرآمیز به خوانندگان این روحیه و شهامت را می‌دهد تا از مشکلات و تنگناهای زندگی عبور کند. افسانه‌ها همواره با ظرافت نشان می‌دهند که چگونه می‌توان کشمکش‌ها را با پابندی به اصول انسانی حل کرد و نتیجه‌ی شیرین آن را چشید.

۲) یکی از موضوعات بسیاری از افسانه‌ها روابط خانوادگی است. شنیدن این افسانه‌ها وسیله‌ای است برای آشنایی کودکان با بحران‌ها و مشکلات خانوادگی و نحوه‌ی مقابله و برخورد با آن‌ها.

۳) بیان تقابل میان خوب و بد و این که همیشه خوبی بر بدی و پلیدی پیروز می‌شود جزئی از افسانه‌هاست. این عامل به رشد اخلاقی کودک کمک می‌کند و ارزش خیر و نیکی را در وجود او نهادینه می‌کند.

۴) نقل افسانه‌ها یکی از روش‌های درمان کمبودهای عاطفی و افسردگی‌ها در کودکان است و یکی از ابزارهای رایج در قصه‌درمانی محسوب می‌شود.

۵) افسانه‌ها تأثیر زیادی بر پرورش قوه‌ی تخیل و ذوق و ابتکار کودکان دارند.

✓ **داستان‌هایی پیرامون محیط اطراف:** با نگاهی به افسانه‌های اساطیری و قصه‌های عامیانه دنیا، می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین اهداف داستان‌سرایی معنا بخشیدن به محیط زندگی و توضیح (و نه توجیه!) آن بوده است. بنابراین قصه‌هایی درباره زندگی و محیط اطراف، مخاطب را نسبت به محیط، روابط و ارزش‌های اجتماعی جافتاده‌تر و هوشیارتر می‌کند.

✓ **داستان‌های سرگرم‌کننده:** داستان‌های کوتاهی که غالباً پیامی را در غالب طنز می‌گویند مثل داستان‌های بهلول و ملانصرالدین، یا داستان‌هایی که قالب‌های مرسوم جنسیتی و طبقاتی را می‌شکنند، قصه‌های فکاهی و خنده‌دار و قصه‌های کوتاه معماگونه، جزء داستان‌هایی هستند که هر قصه‌گو باید در مجموعه‌ی خود تعداد زیادی از آن‌ها را داشته باشد. این قصه‌ها برای جلب توجه، مقدمه‌چینی، ایجاد پیوند بین بخش‌های مختلف کار قصه‌گو و رفع خستگی مخاطب بسیار مفید هستند.

یک قصه‌گو باید انعطاف‌پذیر باشد. به‌عنوان مثال به این علت که گاهی ترکیب گروه آن‌گونه که قصه‌گو انتظار داشته، نیست و یا لازم است زمان برنامه کم یا زیاد شود. بدین ترتیب، هرچه قصه‌گو مجموعه قصه‌های کامل‌تر و متنوع‌تری داشته باشد؛ راحت‌تر می‌تواند در برابر مخاطب‌ها و شرایط گوناگون برنامه‌اش را تنظیم نماید.

از انواع دیگر قصه‌هایی که قصه‌گو می‌تواند از آن‌ها استفاده کند می‌توان به داستان‌های حماسی، مذهبی، اخلاقی، علمی-تخیلی و داستان‌های پلیسی نیز اشاره کرد.

### ۲-۱-۳- یک قصه‌گو چگونه می‌تواند بهتر انتخاب قصه کند؟

قصه‌گو کسی است که ادبیات را همچون یک کلیت درک می‌کند و از آن لذت می‌برد. او با زبان، شکل و محتوای خوب، آشنا است. علاوه بر این لازم است که با مطالعه‌ی گسترده و مقایسه‌ی مستمر روایت‌های مختلف از داستان‌ها توانایی نقد خود را گسترش دهد. قصه‌گو باید روایت‌های مختلف یک قصه‌ی واحد را بلندخوانی کند و از آن میان، بهترین روایت را انتخاب نماید. از این طریق «گوش کردن انتقادی» وی نیز گسترش و رشد می‌یابد. همچنین، گوش‌سپردن به نوارهای ضبط شده توسط قصه‌گوهای خوب، او را در کشف روش و آهنگ مناسب کلمات یاری می‌دهد. با این وجود آن‌چه که بیش از هر چیز انتخاب قصه و شیوه‌ی کار قصه‌گو را تعیین می‌کند انتخاب هدفی خوب با توجه به مخاطب و نیازهایش و توجه به چشم‌اندازهای گسترده‌تر برای کسب دانش، اخلاق و مهارت زندگی است.

### ۲-۲- آماده‌سازی قصه

آماده کردن داستان برای قصه‌گویی از مهم‌ترین مراحل است که بعد از انتخاب داستان طی می‌شود. قصه‌گو باید به خاطر داشته باشد که کار او از برکردن یا روخوانی قصه نیست. از برکردن قصه اغلب نخستین مانعی است که راه یک قصه‌گویی طبیعی و موفق را سد می‌کند. در حالی که قصه‌گو کافی است تنها طرح قصه را به خاطر داشته باشد و با کمک آن قصه را "بازآفرینی" کند. قصه‌گویی هنری شخصی است و هر قصه‌گو باید بهترین روش یادگیری ویژه‌ی خود را کشف نماید؛ اما به‌نظر می‌رسد در این زمینه دو روش اساسی وجود دارد: دیداری و شنیداری.

✓ روش دیداری: در این روش قصه‌گو قصه را به‌صورت مجموعه‌ای از تصاویر - شبیه قاب‌های یک فیلم - تصور می‌کند. جزئیات اتفاق‌ها، اشخاص حاضر در صحنه و حالت‌های آن‌ها همه در زمینه و چهارچوب تصویری که قصه‌گو به خاطر سپرده معنا می‌یابد. به همین ترتیب، قصه‌گو تا پایان قصه را در ذهن خود تصویر می‌کند و هنگام قصه‌گویی تصاویر را به ترتیب به یاد می‌آورد.

برای به خاطر سپردن قصه می‌توان از کارت‌های راهنما استفاده کرد. به این ترتیب که برای هر یک از صحنه‌های مهم داستان یک کارت به قطع ۱۵×۱۰ سانتی‌متر آماده می‌شود. کارت راهنما این اطلاعات را در خود دارد: عنوان، مؤلف، منبع، زمان اجرا، نام شخصیت‌ها، اطلاعاتی از صحنه‌ی مورد نظر، خلاصه قصه و اشعار و عبارات ویژه‌ای که می‌خواهید آن‌ها را به خاطر بسپارید.

✓ روش شنیداری: قصه‌گو نسبت به صدای کلمات و ترتیب آن‌ها حساس است. یک گسست در ضرب‌آهنگ، به او هشدار می‌دهد که نقل قصه از مسیر خود خارج شده است. کسانی که از این روش استفاده می‌کنند پیش از یادگیری قصه آن را ضبط می‌نمایند. گوش‌سپردن به قصه در زمان استراحت و یا انجام کارهای روزانه، فرآیند یادگیری را آسان می‌سازد. قصه‌گو آن‌قدر قصه‌ی ضبط شده را گوش می‌دهد تا توانایی بازگویی آن را بیابد. ضبط صدا می‌تواند تمام نارسایی‌های ما در صدا، بیان و زمان‌بندی را آشکار سازد و ممکن است در دفعات ابتدایی شما را تا حدی مأیوس کند اما اگر می‌خواهید قصه‌گوی خوبی شوید طبیعتاً باید در بررسی انتقادی قصه‌گویی‌تان شکیباشید.

شما می‌توانید نوار ضبط شده‌ی قصه‌گویی افراد حرفه‌ای را هم گوش دهید ولی در این کار دو اشکال وجود دارد. اول این‌که نسخه‌ای صوتی و باکیفیت برای تمام قصه‌ها موجود یا در دسترس شما نیست و دوم این‌که امکان دارد گوش دادن به صدای یک قصه‌گوی حرفه‌ای شما را در دام تقلید از روش و سبک او بیاندازد.

در این روش ضبط ویدیویی قصه هم ممکن است. اما تنها در مواردی توصیه می‌شود که قصه‌گو اعتقاد راسخی برای قصه‌گویی داشته باشد زیرا ضبط ویدیویی اطوار و حالات چهره را به همان خوبی نارسایی‌های صدا ثبت می‌کند و می‌تواند ابزاری سخت و ناخوشایند باشد. بنابراین، اگر از آن استفاده می‌کنید اجازه ندهید شما را از لذت و امید به قصه‌گویی محروم سازد. در این شرایط، ضبط ویدیویی احتمالاً برای قصه‌گوی آموزده‌ای که می‌خواهد روش و فن خود را کمال بخشد، سودمندتر خواهد بود.

## ۲-۱-۲- مهم‌ترین نکات در آماده‌سازی قصه کدامند؟

برای آنکه داستانی را برای قصه‌گویی آماده کنیم به خصوص باید این نکات را مورد توجه قرار دهیم:

- ۱) برای مسلط شدن بر یک قصه‌ی جدید وقت کافی بگذارید. با قصه‌ی خود زندگی کنید تا شخصیت‌ها و موقعیت‌ها، همچون مردم و مکان‌های قصه، برای شما واقعی شوند. آن قدر با قصه خو بگیرید که بتوانید چنان نقل‌اش کنید که گویی خاطره‌ی شخصی شما است.
- ۲) قصه را از آغاز تا انجام چندبار بخوانید. در ابتدا به سادگی با آن ارتباط برقرار کنید و از آن لذت ببرید و سپس با تمرکز به قصد یادگیری مرورش کنید. قصه را تجزیه و تحلیل نمایید و قسمت‌های جذاب، اتفاق‌های مهم، تصاویر واژگانی که می‌خواهید شنوندگانتان آن‌ها را تجسم کنند و حال و هوایی را که می‌خواهید انتقال دهید، معین نمایید.
- ۳) زمان‌بندی و رعایت شتاب خاص هر قصه بخشی مهم از قصه‌گویی است. برای این‌که تخمین درستی از زمان لازم برای قصه‌گویی و دقت خودتان در روایت قصه داشته‌باشید، یک بار قصه را از روی کتاب بلند بخوانید و زمان لازم برای خواندن را مشخص نمایید. بعد آن را قصه‌گویی کنید و دوباره زمان را تعیین نمایید. کمی تفاوت در مدت زمان خواندن و مدت زمان روایت قصه قابل قبول است اما اگر برای روایت قصه، زمان خیلی کمتری به نسبت خواندن آن صرف شود ممکن است بخش‌هایی از قصه جاافتاده باشد یا شما با سرعت خیلی زیادی قصه را گفته باشید. اگر زمان گفتن قصه خیلی بیشتر از خواندن آن شد ممکن است چیزی به قصه افزوده باشید (که لزوماً بد نیست و حتی برای بعضی قصه‌ها لازم است) یا خیلی کند و خسته‌کننده آن را روایت کرده باشید.
- ۴) قصه را همچون یک کل واحد درک کنید و بیاموزید. به بیان دیگر، به قسمت‌های مختلف قصه در پیوند با یکدیگر و در بستر یک کلیت واحد فکر کنید و بخش‌های مختلف آن را جداشده و بدون توجه به دیگر بخش‌ها و بستر کلی داستان فهم و روایت نکنید. در این رویکرد، باید در ساخت قصه مهارت به‌دست آورید و خط روایت را درک نمایید. اغلب داستان‌ها شامل این بخش‌ها هستند: آغاز داستان، که صحنه را نشان می‌دهد و شخصیت‌ها و تعارض را در قصه آشکار می‌سازد. بدنه‌ی داستان، که در آن کشمکش به اوج می‌رسد و گره‌گشایی که در آن ماجراها به نتیجه می‌رسند و فضا آرام می‌گیرد. در روایت خود خط اصلی قصه را تغییر ندهید. دقت کنید که قصه چگونه آغاز می‌شود، چگونه شتاب می‌گیرد و چگونه و کجا تحول رخ می‌دهد. به توالی نام‌ها و رویدادها دقت کنید. به طی شدن گام‌های پی‌درپی در قصه توجه کنید و با بستن کتاب و فهرست کردن منظم این گام‌ها، خود را بیازمایید.
- ۵) جملات، عبارات، کلمات و اصطلاحات نامعمولی که در انتقال مفهوم قصه مهم هستند را به خاطر بسپارید. به خصوص شکل آغاز کردن و فرجام بخشیدن به قصه مهم است. عباراتی مثل «یکی بود یکی نبود، غیر از خدا هیچ کس نبود» و یا «باری بود، باری نبود، غیر از خدا غمخواری نبود» در آغاز بسیاری از قصه‌های ایرانی آمده است. همچنین قصه‌ها ممکن است با عباراتی از این قبیل پایان یابند:

کلاغه به خونه‌ش نرسید

قصه‌ی ما به سر رسید

قصه‌ی ما راست بود

رفتیم بالا ماست بود

- ۶) برای تسلط بر قصه با شخصیت‌ها آشنا شوید. موقعیت قصه را در خیال خود زنده کنید. شخصیت‌های اصلی چه شکلی هستند؟ آیا باهوشند، مهربان، طماع، ترسو و یا موذی هستند؟ چگونه لباس پوشیده‌اند؟ چگونه سخن می‌گویند، به زبان محلی، با جملاتی کوتاه و یا پرطمطراق؟ رویدادها را مجسم کنید. این رویدادها را به‌گونه‌ای بازسازی کنید که گویی خود آن‌ها را دیده و تجربه کرده‌اید. صداها، مزه‌ها، بوها و رنگ‌ها را تصور کنید. تنها زمانی می‌توانید کاری کنید که مخاطبین شما قصه‌ای را "ببینند" که شما خود به وضوح آن را دیده باشید.



۷) برای بهتر شدن لحن و شکل گفتن قصه گوش سپردن به نوارهای ضبط شده توسط قصه‌گوهای باتجربه توصیه می‌شود. البته پیشنهادهای دیگری نیز وجود دارد:

- با استفاده از لحن و صدا و مکث کردن‌های به موقع پیام داستان را به‌خوبی انتقال دهید. برای مخاطب لحظاتی را بسازید که برای شنیدن ادامه‌ی ماجرا نفس را در سینه حبس کند.
  - بر واژه‌هایی که حامل معنا هستند تأکید کنید تا معنای مورد نظر را کامل و بجا انتقال دهید.
  - به‌طور کلی بخش‌های عبارات شاعرانه و تخیلی را آرام و بخش‌های عملی روایت را نسبتاً سریع اجرا نمایید.
  - به سمت نقطه‌ی اوج حرکت کنید. همچنان که به آن نزدیک می‌شوید، سرعت خود را تغییر دهید تا شنوندگان لذت پیش‌بینی را دریابند. بعضی نقاط اوج با حرکت آهسته مؤثرتر می‌شوند و برخی با سرعت بیشتر در گفتن برجسته می‌گردند. به طور کلی آگاهی بر این که چه بخشی را سریع و چه قسمتی را کند اجرا نمایید به کمک تجربه و شناخت حاصل می‌شود.
  - مکالمات باید با سرعتی اجرا شوند که برای صحبت کردن شخصیت شما و ویژگی‌های کاراکترها و شرایط خاص در موقعیت‌ها مناسب باشد. قصه‌گوهای تازه‌کار اغلب از مکث کردن می‌ترسند اما هرگاه خوب مسلط شدید خواهید دید که مکث به موقع موجب تردید نمی‌شود و به جاذبه و معنا می‌افزاید. حتی گاهی مکث و صدای آهسته می‌تواند از صدای بلند مؤثرتر باشد.
- ۸) مهارت قصه‌گویی با تمرین به‌دست می‌آید. قصه گفتن با صدای رسا و مطمئن را برای خودتان، خانواده و دوستانتان، و برای هرکسی که حاضر است به آن گوش کند، تمرین نمایید! هرگونه تردید، زمینه‌های ضعف در دانش شما از قصه را آشکار می‌سازد. هر جا و هر وقت که می‌توانید، تمرین کنید. هنگام انتظار در مطب دکتر یا دندانپزشک، هنگام سفر با وسایل نقلیه‌ی همگانی و هنگام انجام کارهای جزئی و کم‌زحمت. تمرین، تمرین، تمرین!
- ۹) در مقابل آینه تمرین کنید تا متوجه اطوار اضافی خود بشوید. باید حالات چهره‌تان متناسب با قصه و به عنوان یک قصه‌گو طبیعی باشد. هنر قصه‌گویی نباید با هنر بازیگری اشتباه شود. قصه‌گو عقاید، حال و هوا و عواطف قصه را تشریح و تأویل می‌کند، اما هرگز با هیچ شخصیتی همانند نمی‌شود. قصه‌گو بازیگر نیست بلکه واسطه‌ای است که قصه را روایت می‌کند.
- ۱۰) حساسیت خود نسبت به واژه‌ها را گسترش دهید. هنگام ادای کلمات، عاطفه‌ی مناسب آن را احساس نمایید بی‌آنکه نقش شخصیت‌ها را بازی کنید. برای تمرین گوش خود را به شنیدن عبارات موزون و بیان‌های زیبا و سنجیده عادت دهید.

### ۲-۲-۲- چگونه قصه‌گو قصه‌ای بلند را کوتاه می‌کند؟

گاهی یک قصه‌گو ممکن است بخواهد داستانی را کوتاه کند زیرا برای وقت مقرر بسیار طولانی است، یا شکل مفصل روایت قصه از تأثیر آن کاسته است، و یا روند آن به دلیل استفاده از عبارات توصیفی طولانی کُند شده‌است. کوتاه کردن سنجیده‌ی قصه، به آگاهی از آثار نوشته‌شده در زمینه‌ی قصه‌گویی و فهم واکنش‌های مختلف کودکان به قصه‌ها، نیاز دارد. چنین دانشی از طریق تجربه و مطالعه حاصل می‌شود. قصه‌گوی آزموده می‌داند چه چیزی را رها کند، درحالی‌که قصه‌گوی تازه‌کار ممکن است توصیف‌هایی مهم را حذف کند و فضای قصه را خشک و ناقص نماید. اما قصه‌گوی آزموده به خود هشدار می‌دهد که «شخصیت‌ها را در صحنه‌ی خالی وادار به عمل نکن».

### ۲-۲-۳- چگونه قصه‌گو قصه‌ای کوتاه را وسعت می‌بخشد؟

گاهی لازم است که قصه‌گو قصه‌های بی‌شاخ و برگ را شرح و بسط دهد. او این کار را با استفاده از تخیل برای آفرینش تصاویر کلامی روشن به انجام می‌رساند. در انجام چنین کاری، خردمندان است که قصه را دوباره بنویسیم و قصه‌ی بازنویسی‌شده را تمرین کنیم و یاد بگیریم. همچون حالت کوتاه کردن قصه، قصه‌گو در این‌جا نیز باید تمامیت قصه را حفظ کند، فقط یک زاویه‌ی دید را نشان دهد و رویدادها را در توالی منطقی خود گسترش دهد. گاهی برای بسط دادن یک قصه می‌توان روایت‌های گوناگون آن را نیز ترکیب کرد.

## ۲-۲-۴- آیا قصه‌گو باید کلمات خود را به کار برد یا بهتر است از واژه‌های نویسنده استفاده نماید؟

از واژه‌های نویسنده استفاده نمایید مگر این که واژه‌ی بهتری برای جایگزین کردن داشته باشید. دایره‌ی واژگان خود را از نظر کیفی و کمی گسترش دهید و برای واژه‌ها و عبارات قصه، جایگزین‌هایی هم‌معنا بیابید. باید به این نکته توجه کنیم که سبک گفتاری ما تا چه حد برای قصه مناسب است. کلمات قصه‌گو نباید معنا، وزن و آهنگ قصه را تضعیف کند. همچنین اگر زبان قصه به واسطه‌ی تغییرهای دائمی ما تنزل یابد، کودکان از نظر زبان‌شناسی و تسلط بر زبان رشد نخواهند کرد.

هنگام بازگو کردن قصه مراقب باشید که از بعضی تکیه‌کلام‌ها از قبیل «بعدش»، «خُب..»، «مثلاً» و «چیز...» استفاده نکنید.

## ۲-۳- ارائه قصه

در پایان اولین جلسه‌ی قصه‌گویی، کودکی در پاسخ به سؤال والدینش که: «بگو قصه را از کجا نقل کردی؟» جواب داد: «از خودش» برای یک قصه‌گو تحسینی بهتر از این وجود ندارد، زیرا هدف اصلی این است که قصه را آن قدر راحت، روان و مستقیم بگویید که کودک آن را «از آن شما» بداند.

## ۲-۳-۱- مهم‌ترین نکات در ارائه‌ی قصه کدامند؟

- ✓ قصه‌گو باید بچه‌ها را دوست داشته‌باشد و برای آن‌ها و تمایلات و نیازهایشان ارزش قائل باشد.
- ✓ پیش از شروع قصه‌گویی احساساتان از قصه را به یاد آورید. هنگامی بر قصه تسلط کافی پیدا می‌کنید که به زبان بخشی از وجودتان که از قصه متأثر شده‌است، سخن بگویید.
- ✓ از آن جا که قصه‌گویی، وسیله ارتباط میان قصه‌گو و مخاطبانش است، قصه‌گو باید دارای نفوذ کلام، نگاه مؤثر و گیرا و حرکات و حالات مناسب بدن به خصوص دست‌ها و چهره، باشد.
- ✓ نفس عمیقی بکشید و شروع کنید. در سخن گفتن و رفتار صمیمی باشید. مستقیماً به شنوندگان خود بنگرید. درحین گفتن، نگاه خود را از یکی به دیگری انتقال دهید تا همه کودکان خود را درگیر قصه کنند. تماس مستقیم چشمی را تنها زمانی قطع کنید که می‌خواهید به صحنه‌ای تخیلی یا به چیزی که مایلید شنوندگانتان بدان بنگرند، نگاه کنید. تماس چشمی زمانی که گفت‌وگوی شخصیت‌های قصه را نیز نقل می‌کنید می‌تواند قطع شود.
- ✓ به‌گونه‌ای دلپذیر سخن بگویید. با صدایی آرام اما آن قدر بلند که به راحتی توسط شنوندگان آخرین ردیف‌ها هم شنیده شود. روشن، شمرده، نرم و با شتابی مناسب، قصه را روایت کنید.
- ✓ صدای قصه‌گو نباید یکنواخت باشد بلکه باید بتواند در مواقع لزوم، زیر و بم و طنین مناسب به صدایش بدهد. چون در غیر این صورت حتی بهترین و هیجان‌انگیزترین قصه‌ها هم ضعیف از کار در خواهند آمد.
- ✓ اگر از حرکات استفاده می‌کنید، حرکت باید مناسب شخصیت شما و موقعیت‌ها و عملکرد قصه باشد و طبیعی بنماید. حرکتی خطا است که توجه را به خویش معطوف دارد. حرکات مبالغه‌آمیز معمولاً نشانه‌ی کوششی عبث برای دور کردن توجه از عدم آمادگی قصه‌گو است. نه همچون چوبی خشک بی‌حرکت باشید و نه حوادث قصه را با حرکاتتان نمایش دهید. چون در این صورت بچه‌ها ممکن است جذب حرکات شما گردند و از قصه غافل بمانند.
- ✓ از رفتارهای عصبی همچون گاز گرفتن لب‌ها یا خاراندن سر بپرهیزید. عادی بایستید و این سو و آن سو نروید. از دست‌های خود به‌گونه‌ای طبیعی بهره‌بردارید. آن‌ها را در جیب‌هایتان ن فشارید. دست به سینه نایستید. شنوندگان خود را نه به چگونگی گفتن، که به چیستی قصه جلب کنید.
- ✓ حال و هوای جلسه‌ی قصه‌گویی را، قصه‌گو ایجاد می‌کند. ظاهر آراسته، بیان دلپذیر، لبخند، شور و شوق شخصی، عشق به روایت، همه و همه منتقل‌کننده‌ی احساس قصه‌گو هستند. گاهی قصه‌گویان تازه‌کار درمی‌مانند که چه بپوشند. راحت و ساده لباس بپوشید. در یک سالن بزرگ لباس رنگی می‌تواند توجه را به قصه‌گو جلب کند ولی نیازی به پوشیدن لباس ویژه نیست. از وسایل مزاحم همچون دستبندهای پرسروصدا استفاده نکنید.
- ✓ جلسه‌ی قصه‌گویی را هر جایی می‌توان تشکیل داد. نداشتن اتاق یا سالنی ویژه، توجیهی برای عدم اجرای برنامه قصه‌گویی نیست. آنچه لازم است مکانی غیررسمی و فضایی راحت و صمیمی است. همچنین بهترین ترتیب در کلاس این است که شنوندگان به شکل نیم‌بیضی و روبه‌روی قصه‌گو بنشینند. طوری که به راحتی قصه‌گو را ببینند و صدای او را بشنوند. مراقب باشید که نیم‌بیضی بیش از حد بزرگ نشود زیرا در این صورت سر قصه‌گو همچون سر تماشاگر مسابقه‌ی تنیس باید پیوسته از این سو به آن سو حرکت کند. به عنوان مثال اگر گروه مخاطبان شما، ۲۸ نفری است بهتر است

به جای دو ردیف چهارده نفری، چهار ردیف هفت نفری داشته باشید. بچه‌ها را به گونه‌ای روی زمین یا صندلی بنشانید که همه شما را ببینند و کسی پشت سر دیگری قرار نگیرد.

✓ قصه‌گو باتوجه به اندازه‌ی گروه باید درجایی مناسب - که کاملاً در دید شنوندگان باشد - بایستد یا بنشیند. هنگامی که برای گروهی کوچک و یا کودکانی کم‌سال قصه می‌گوییم، شاید نشستن راحت‌تر باشد، اما ایستادن دامنه‌ی دید بهتری فراهم می‌آورد و کنترل بهتر و آزادی حرکت بیشتری به قصه‌گو می‌دهد. تنها استثنا بر این قاعده، زمانی است که با کودکانی بسیار کم‌سال مواجه‌اید و یا کتاب‌های تصویری را برای آن‌ها می‌خوانید. در چنین وضعی بهترین کار این است که بر صندلی و یا چهارپایه‌ای کوتاه به گونه‌ای بنشینید که تصاویر در معرض دید کودکان باشند و خودتان هم زیاد دور از دسترس به نظر نرسید. اگر قصه‌گو راحت و مطمئن باشد کودکان نیز چنین خواهند بود.

✓ از کودکان بخواهید هرآنچه را با خود دارند، همچون کتاب، وسایل بازی، کیف و عروسک را روی میزی جداگانه یا زیر صندلی خویش، بگذارند. تا توجه آن‌ها، یا به طور غیرمستقیم توجه سایر شنوندگان، از قصه منحرف نشود.

✓ اگر اتاق جداگانه‌ای برای قصه‌گویی در اختیار دارید، قبل از شروع برنامه، دما و تازگی هوا را بسنجید. یک اتاق بسیار گرم بدون هوای کافی و پاک کودکان را کسل می‌کند.

✓ اگر اتاق جداگانه‌ای وجود ندارد، برای مجزاً و خاص کردن محل قصه‌گویی می‌توانید از یک پرده استفاده کنید. محوطه‌ی مورد استفاده را دور از رفت‌وآمد، و تلفن انتخاب کنید. کودکان نباید رو به آفتاب یا در معرض پنجره‌هایی که رفت‌وآمد و دیگر عوامل مزاحم تمرکزشان است، بنشینند.

✓ کتابی که قصه را از آن انتخاب کرده‌اید، در همان مجلس قصه‌گویی معرفی کنید. این کار را می‌توانید قبل یا بعد از گفتن قصه انجام دهید. تمام کودکان چه خود کتاب بخوانند چه نخوانند به شنیدن قصه‌ای که خوب گفته شود علاقه‌مند هستند. این علاقه پس از شنیدن قصه، آنان را به مطالعه تشویق می‌کند. حتی بچه‌هایی که زیاد کتابخوان نیستند هم به خواندن کتابی که قصه‌اش روزی توسط صدای گرم و صمیمی یک قصه‌گو برایشان نقل شده‌است علاقه‌مند می‌شوند.

✓ قصه‌گوهای کم‌تجربه اغلب تصور می‌کنند که باید تمام واژه‌های ناآشنا را برای کودکان معنا کنند تا آنان قصه را دریابند. این قصه‌گوها از یاد می‌برند که بافت قصه و تخیل کودک برای درک تعاریف کافی است. اگر کودک واژه‌ای را نداند، می‌پرسد. اگر کودک درمورد کلمه‌ای متحیر به نظر رسد و آن کلمه برای درک معنا کلیدی باشد، قصه‌گو می‌تواند همان‌جا یا در ادامه‌ی قصه هنگامی که بار دیگر به آن کلمه می‌رسد، مترادف ساده‌تر آن را به کار برد.

## ۲-۳-۲- چگونه آمادگی شنیدن ایجاد نماییم؟

آمادگی در محیطی سالم ایجاد می‌شود؛ یک اتاق با هوایی کافی و پاک، جای نشستن راحت و میزی که وسایل مربوط به قصه، کتاب‌ها، مقداری گل و یا برگ تازه و شمع آرزو - در صورتی که قرار است مورد استفاده قرارگیرد - روی آن قرار دارد و ... از وسایل مورد نیاز در یک جلسه‌ی قصه‌گویی است. با وجود همه‌ی این‌ها، این قصه‌گو است که بیش‌ترین اهمیت را در ایجاد آمادگی دارد. رفتار قصه‌گو باید احترام برانگیز، جدی و دوستانه باشد. او می‌تواند بگوید "خوب گوش کنید چون می‌خواهم چیز تازه‌ای را با شما در میان بگذارم." اگر قصه‌گو خواست که از شمع آرزو استفاده کند به این شکل عمل می‌نماید: افروختن شمع آرزو نشانه‌ی شروع برنامه است. پیش از افروختن شمع قصه‌گو می‌گوید: «وقتی شمع روشن شد همه سکوت خواهند کرد غیر از قصه‌گو.» در پایان جلسه، کودکان در سکوت، آرزویی کرده و همگی با هم شمع را فوت می‌کنند. خاموش کردن شمع را می‌توان همچون یک وظیفه‌ی لذت‌بخش به یکی از بچه‌ها که مثلاً آن روز روز تولدش است یا در آن روز کار خوبی انجام داده‌است واگذار کرد.

## ۲-۳-۳- چگونه قصه را شروع کنیم؟

«روزی، روزگاری» یا عباراتی مشابه، کودکان را به دنیای قصه فرا می‌خوانند. کلمات و شیوه‌ی صحبت کردن شما، به کودکان می‌فهماند که دارند به قلمرو متفاوتی قدم می‌گذارند که در آن وقایع غیرمنتظره‌ای رخ خواهد داد؛ اما این قلمرو جایی است که برای آن‌ها کاملاً امن است. یک قصه‌گوی حرفه‌ای در شروع قصه‌گویی برای کودکان کم‌سال، دایره‌ای جادویی دور گروه می‌کشد، به نشانه‌ی اینکه، درون دایره جای امن و مطمئنی است.

جلسه‌ی کودکان بزرگ‌تر را می‌توانید با یک شعر شروع کنید. گاهی ممکن است برای شروع پیشینه‌ای از کشور یا فرهنگ مردمی که خاستگاه قصه است ارائه دهید. سخن گفتن سنجیده و مختصر درباره‌ی پیشینه‌ی فرهنگی، یادداشت‌های نویسنده‌ی داستان، خاطرات سفر و یا تجارب شخصی شما بر غنای جلسه‌ی قصه‌گویی می‌افزاید. اگر از داستان‌های نویسندگان معاصر استفاده می‌کنید، می‌توانید چیزی در مورد زندگی نویسنده، مثلاً رخدادی جذاب و انگیزه‌بخش از کودکی او را در ابتدای جلسه بازگو کنید.

### ۲-۳-۴- اگر کودکان بی‌علاقه به نظر می‌رسند چه می‌توان کرد؟

خستگی و بی‌حوصلگی مخاطب اغلب زمانی رخ می‌دهد که قصه‌ی انتخاب‌شده برای گروه نامناسب باشد یا قصه‌گو در کار تحریک و پیش بردن تخیل کودک ناموفق باشد. گاهی قصه‌گو با تلاشی بیشتر می‌تواند توجه کودکان را جلب کند؛ اما اگر موفق نشد بهترین کار این است که بقیه‌ی قصه را خلاصه کند و جلسه را به پایان برد و یا اگر می‌تواند قصه‌ی دیگری را جایگزین کند.

اگر پیشاپیش می‌دانید که مخاطبین شما تجربه و مهارت بسیار کمی در شنیدن دارند، می‌توانید از روش لسللی مورو استفاده کنید. مورو استاد مدرسه‌ی عالی علوم تربیتی می‌گوید هنگامی که او قصه گفتن برای چنین کودکانی را آغاز می‌کند تنها ۳۰ درصد از زمان هر جلسه را به گفتن محض می‌پردازد و ۷۰ درصد زمان از وسایل بازی استفاده می‌کند. این وسایل شامل تصاویر نصب شده روی تابلو، عروسک خیمه شب‌بازی، پیکره‌های چوبی و ماسک شخصیت‌های داستان است. مورو به تدریج این نسبت را تغییر می‌دهد به گونه‌ای که در پایان سال تحصیلی وضع برعکس شده و کودکان به شنوندگانی فعال تبدیل می‌شوند.

### ۲-۳-۵- بهترین شیوه‌ی برخورد کردن با بی‌نظمی کدام است؟

قصه‌گو باید کاملاً حواسش به شنونده باشد و از آنجا که برای قصه‌گو هم قصه و هم همگی شنوندگان محترمند، هیچ‌کس نباید اجازه یابد که تجربه‌ی لذت‌بخش شنیدن قصه را برهم زند. اجازه ندهید که دو دخترچه که با هم درگوشی حرف می‌زنند کنار هم بنشینند؛ ممکن است آن‌دو قصه را دنبال کنند اما پیچ کردنشان درحین جلسه حواس بقیه را پرت خواهد کرد. جلسه باید کاملاً منظم باشد. در برخورد با شنوندگان ناآرام، می‌توانید این جمله را همچون جزئی از قصه در گفتار خود بگنجانید که «شما دو نفر آخر، اصلاً نمی‌توانید حدس بزنید که...» یک قصه‌گو وقتی قصه‌ای درباره‌ی یک شاهزاده خانم نقل می‌کرد این حقه را با موفقیتی خارج از انتظار به کار برد. درحین گفتن قصه مستقیماً به دخترچه‌ای که آدامس بادکنکی می‌جوید نگاه کرد و گفت: «و شاهزاده خانم هرگز آدامس نمی‌جوید». دخترچه آن‌قدر جا خورد که در دم آدامس خود را بلعید!

### ۳- قصه‌های مناسب برای گروه‌های سنی مختلف

کودکان همچنان که رشد می‌کنند برداشت و درکشان از خود و جهان و نیز آگاهی‌شان از واژه‌ها به سرعت تغییر می‌کند، از این رو در قصه‌گویی نیز نیازهای گروه‌های سنی مختلف متفاوت است.

به طور کلی می‌توان مخاطبان کودک و نوجوان را به چهار گروه سنی تقسیم کرد: زیر ۵ سال، ۵ تا ۸ سال، ۹ تا ۱۲ سال و ۱۳ تا ۱۶ سال. این گروه‌بندی سنی اغلب انعطاف‌پذیر است و می‌توان آن را بر اساس رشد ذهنی کودک نیز تغییر داد. البته باید در نظر داشت که کودکان بزرگ‌تر هم گاهی از اشعار کودکانستانی و داستان‌های حیوانات لذت می‌برند و ممکن است بعضی خردسالان به داستان‌هایی که برای بچه‌های بزرگ‌تر نوشته شده است علاقه نشان دهند.

#### ✓ بچه‌های زیر ۵ سال:

این سن، سن نگاه کردن، یاد گرفتن و لذت بردن است. بچه‌های این گروه داستان‌های ساده‌ای را که دارای طرحی یک‌حالته و فاقد هرگونه پیچیدگی است را دوست دارند. آن‌ها به قصه‌هایی علاقه نشان می‌دهند که بافت آن در ارتباط با شخصیت‌ها و اشیاء و موجودات آشنای اطرافشان است؛

شخصیت‌هایی همچون مادر و پدر، اشیایی نظیر اسباب بازی و حیوانات، به خصوص حیوانات اهلی و پرندگان. لازم است موضوع و بیان قصه را چنان انتخاب کنید که در چهارچوب درک کودکان این گروه باشد. این بچه‌ها از داستان‌های تخیلی ساده نیز لذت می‌برند، برای مثال حیوانی که صحبت می‌کند یا اسباب بازی که برمی‌خیزد و می‌دود. بچه‌های این گروه سنی نسبت به داستان‌های غم‌انگیز یا داستانی که در آن کسی صدمه می‌بیند بسیار حساس‌اند. به یاد داشته باشید که کودک در این سن بسیاری از چیزهایی را که در قصه روی می‌دهد باور می‌کند، بنابراین در انتخاب قصه دقت لازم را بکنید تا قصه موجب آزار و ناراحتی او نشود.

#### ✓ بچه‌های ۵ تا ۸ سال:

کودکان این گروه سنی کنجکاو و به کشف دنیای اطراف خود علاقه‌مندند و تخیلی پر شور دارند. کودکان در این سن پرسش‌های زیادی دارند. ناشکیبا هستند و از خیال‌پردازی لذت می‌برند. در زمان حال زندگی می‌کنند و نگرانی درباره گذشته و آینده ندارند. آن‌ها عاشق پایان‌های خوش برای داستان هستند. کودکان این سن سه محدودیت دارند: نخست، آشنایی محدود با واژه‌ها؛ دوم، قدرت محدود حافظه؛ سوم، درک محدود ارتباط رویدادها و شرایطشان. با توجه به این سه محدودیت در انتخاب داستان به این موارد دقت کنید:

- از واژه‌های جدید و غیرمعمول کمتر استفاده کنید.
- داستانی انتخاب کنید که به اندازه‌ی کافی سرگرم‌کننده باشد.
- گرایش احساسی کودکان را در نظر بگیرید.
- طرح قصه ساده باشد.
- از قافیه و عبارات ساده‌ای که کودکان به شنیدنش علاقه‌مندند استفاده نمایید.
- به متعادل بودن بخش‌های ترسناک یا ناراحت‌کننده‌ی داستان دقت کنید.
- پایان خوش داستان را فراموش نکنید.

#### ✓ بچه‌های ۹ تا ۱۲ سال:

کودک در این سن آن‌قدر بزرگ است که دنیای بزرگسالان را هم درک کند. او به هر چیز شادی‌بخش و جذابی توجه می‌کند. در انتخاب داستان برای این گروه سنی نکات زیر را در نظر داشته باشید:

- داستان باید سرگرم‌کننده باشد.
- وقایع آن زیاد باشد.
- درباره‌ی علایق، مشکلات و تجارب کودک باشد.
- کودک این گروه به داستان‌های تخیلی و همین‌طور واقعی علاقه‌مند است و ماجراجویی، علم، ورزش و هر چه را که به‌صورت سرگرم‌کننده ارائه شود دوست دارد.
- دختران و پسران این گروه سنی از جنسیت خود آگاهند و دوست ندارند داستانی با محوریت شخصیتی از جنس مخالف بخوانند.

#### ✓ بچه‌های ۱۳ تا ۱۶ سال:

بچه‌ها با ورود به دوره‌ی نوجوانی دوست دارند در مسئولیت‌های افراد بزرگسال سهیم شوند و مانند یک بزرگسال با آن‌ها رفتار شود. نوجوان در برابر هر محدودیتی طغیان می‌کند، معترض است و به شدت از دنیای بزرگسالان انتقاد دارد. دوست‌داشتن‌ها و دوست‌نداشتن‌ها، موضع‌گیری‌ها و معیارهای ارزشی در او به سرعت تغییر می‌یابند. از این جهت به خود مطمئن نیست و به شدت در برابر انتقاد حساس است. از نظر جسمی بالغ است؛ اما از نظر احساسی، جوان می‌نماید. او تجربه‌ی زیادی ندارد؛ اما معمولاً قضاوتش به طور غریزی صحیح است. برخی از نکات مهم در انتخاب داستان برای این گروه سنی به شرح زیر است:

- نوجوان از نظر جسمی و احساسی با مشکلاتی روبروست که در داستان‌ها به طور ناخواسته به دنبال راه حلی برای آن است.
- او به داستان‌های واقع‌گرایانه بیشتر از داستان‌های تخیلی علاقه نشان می‌دهد و دوست دارد داستان‌های واقعی درباره‌ی شخصیت‌های ملموس را بشنود تا بتواند با آن‌ها هم‌ذات‌پنداری کند.
- گستره‌ی علاقه او تقریباً شامل همه‌چیز و همه کس می‌شود. طرح‌ها، ماجراها، عشق‌ها و داستان‌های خانوادگی ملموس را بیشتر می‌پسندند.

#### ۴- مکان‌ها و زمان‌های مناسب قصه‌گویی

- ✓ **هنگام خواب:** ظاهراً بهترین زمان قصه‌گویی، شب هنگام، پیش از خواب است. و این رسمی است که از گذشته‌های دور برای قصه‌گویی به وجود داشته است.  
اعتقاد بر این است که بلند خواندن قصه پیش از خواب باید از سن ۶ تا ۹ ماهگی شروع شود. خواندن یک شعر ساده که صحنه‌ای هیجان‌انگیز نداشته باشد و از ظرایف ادبی کمتری برخوردار باشد، همراه با قصه‌های قبل از خواب فکر مناسبی است. لایه‌هایی که تصویرهای پیچیده ندارند و شعرهایی که آرامش‌بخش هستند و مفاهیمی مثل امیدواری، خانه، شب، زیبایی‌های طبیعت و... را منتقل می‌کنند برای همراهی قصه‌های قبل از خواب مناسبند. بچه‌های کوچک‌تر می‌توانند از شنیدن قصه‌هایی که قبلاً بارها و بارها شنیده‌اند نیز لذت ببرند.  
با صدای بلند خواندن قصه‌ها، قصه‌گویی پیش از خواب و داشتن نظم و ترتیب در کار قصه‌گویی برای بچه‌هایی که فاصله‌ی سنی ۲ تا ۷ سال را طی می‌کنند، عوامل مؤثری جهت ایجاد عادت مطالعه در آن‌ها است.  
وقتی بچه‌ها به سن ۵ یا ۶ سالگی می‌رسند از نظر ذهنی آمادگی دارند که افسانه‌ها را بشنوند و می‌توان برایشان قبل از خواب یک یا دو افسانه کوتاه تعریف کرد.  
از سن ۶ سالگی به بعد آن‌ها برای شنیدن قصه‌های بلند آمادگی کافی دارند و می‌توانید یک داستان بلند را در چند قسمت برایشان بازگو کنید. قصه‌هایی که انتخاب می‌کنید باید طوری باشند که هر شب قسمتی از آن به نحوی معقول به فرجام رسد تا کودک را در فضایی از انتظار آزار دهنده باقی نگذارد.
- ✓ **کنار آتش:** شعله‌های آتش جاذبه‌ای دارد که اغلب ما را گوینده یا شنونده خوب داستان‌ها می‌کند. وقتی که گروهی بر گرد آتش نشسته باشند، حالتی اسرارآمیز و خیال‌انگیز دارند. پیوند صحنه‌های داستان با تصویر سایه‌روشن آدم‌های گرد آتش، اعتماد و اطمینانی را در قصه‌گو و شنوندگان پدید می‌آورد که دلنشین و برای ارتباط برقرار کردن با قصه بسیار مؤثر است. این نوع از قصه‌گویی برای شب‌های اردو بسیار مناسب است.
- ✓ **مهمانی‌های خانوادگی، گردش‌ها و مسافرت:** قصه‌گویی می‌تواند یکی از جذاب‌ترین برنامه‌های گردهمایی‌های خانوادگی باشد. در این شرایط می‌توان برای گروه‌های خاص برنامه‌های ویژه‌ای داشت، اما یک داستان درباره تاریخ خانواده یا ماجرای جالب یکی از اعضا خانواده می‌تواند بزرگ و کوچک خانواده را درگیر خود کند.  
مراسمی که بعد از فوت یکی از افراد فامیل برگزار می‌شود، موقعیت خوبی برای قصه‌گویی است. گفتن قصه‌هایی از زندگی متوفی می‌تواند بخش سالم، آموزنده و مؤثری از یک برنامه‌ی عزاداری باشد.  
عروسی‌ها و جشن‌های تولد نیز موقعیت مناسبی برای گفتن خاطراتی از مراسم خواستگاری، تولدها و عروسی‌های دیگر خانواده است.
- ✓ **جشن‌ها و مراسم مذهبی:** جشن‌ها و مراسم مذهبی تا حدود زیادی از تشریفات پیچیده‌ای تشکیل شده‌اند. فلسفه و دلیل این تشریفات بیشتر دهان به دهان و سینه به سینه به ما رسیده است و در میان اقوام، طوایف و نژادهای مختلف متفاوت می‌باشد.  
مناسبت‌های مذهبی، بهترین فرصت برای بیان سرگذشت‌ها یا قصه‌هایی در مورد موضوع آن مناسبت است تا قصه‌های فرزندانمان را با ارزش‌های مذهبی و معنوی خود آشنا سازیم. بازگو کردن زندگی و انتخاب‌های انسانی بزرگ که در گذشته می‌زیسته، اگر در فضایی مناسب و حتی همراه با مناسکی ویژه صورت پذیرد تأثیری شگرف خواهد داشت.

✓ **قصه‌گویی در بیمارستان‌ها:** برای کودک بستری در بیمارستان و یا کودکی که مبتلا به بیماری مزمنی است، زمان به‌کندی می‌گذرد. این گروه از کودکان ممکن است به رماتیسم، بیماری قلبی، سرطان و بیماری‌های طولانی‌مدت دیگری مبتلا باشند. قصه‌گوی مجهز به انواع قصه‌ها، کتاب‌های تصویری، قصه‌های قومی ساده، قصه‌های ادبی کوتاه برای بلندخوانی و شاید یک و یا دو عروسک خیمه‌شب‌بازی می‌تواند به میزان زیادی از نگرانی‌های این کودکان بکاهد و شادی را برای آنان به ارمغان آورد.

به قصه‌گویی و بلندخوانی در اتاق انتظار درمانگاه‌ها نیز نیازی ویژه وجود دارد. والدین اغلب برای مدت‌های طولانی باید با کودکان خود منتظر بنشینند تا به مطب دکتر فراخوانده شوند. در این حالت بچه‌ها خسته می‌شوند، می‌دوند و سروصدا می‌کنند و هنگامی که دکتر آماده‌ی معاینه‌ی آن‌ها است بیش از حد هیجان‌زده‌اند. تجربه نشان داده است که پزشک‌یار معمولاً از آرامش پیش از معاینه استقبال می‌کند و کتاب‌داران دریافته‌اند که درمانگاه مکانی عالی برای معرفی کتابخانه و خدمات آن به والدین و سایر مراقبین کودک است.

✓ **قصه‌گویی در فضای آزاد:** جلسات قصه‌گویی تابستانه در پارک‌ها، قصه‌گو را در مبارزه‌ای واقعی درگیر می‌کند. گروه‌های مخاطب اغلب بسیار بزرگند و محدودی سنی وسیعی از کودکان نوپا تا پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها را شامل می‌شوند. مادران کودکان خود را می‌آورند و در کنار آنان می‌نشینند. گروهی دیگر گروه شما را می‌بینند و گاهی حتی در اواسط قصه به شما می‌پیوندند. نوجوانان برای شنیدن توقف می‌کنند. سر و صداهای زیادی از اطراف شنیده می‌شود. امکان هرگونه وقفه‌ای وجود دارد. کنترل چنین موقعیت‌هایی توسط قصه‌گو مستلزم اعتمادبه‌نفس، صدایی قوی، و انتخاب دقیق قصه است. قصه‌گو باید انعطاف‌پذیر باشد و هرگز در اثر شلوغی و تغییرات محیط برآشفته یا گیج نشود.

## ۵- قصه‌گویی برای کودکان با نیازهای ویژه

### ۵-۱- قصه‌گویی برای کودکان نابینا یا کم‌بینا

از آنجا که حالات چهره و حرکات بدنی قصه‌گو به شنوندگان نابینا انتقال نمی‌یابد، کیفیت صدای وی و کلماتی که برمی‌گزیند بسیار مهم است. داشتن صدایی نشاط‌انگیز و موسیقایی برای هر قصه‌گویی باارزش است؛ اما برای قصه‌گوی کودکان نابینا حیاتی است. برای کودکان نابینا، زیبایی اجرای قصه تنها از طریق صدا ادراک می‌شود.

قصه‌گویی، برای رشد زبان کودکان نابینا اهمیت ویژه‌ای دارد. قصه‌هایی با تصاویر ذهنی روشن انتخاب کنید. به طوری که کودک نابینا بتواند تصاویر آن را برای خود خلق کند. کریگ ورنر، کودک نابینای دپروز و معلم ادبیات کودک امروز می‌نویسد: «قصه‌هایی که به من، به عنوان یک کودک، بیشترین لذت را بخشیده‌اند آن‌هایی بودند که عبارات توصیفی طولانی داشتند، مثل قصه‌های پریان هانس کریستین آندرسن.» او نتیجه می‌گیرد که برای یک کودک نابینا انتخاب قصه‌هایی که تخیل در فهم آن حرف اول را می‌زند انتخاب خوبی است.

### ۵-۲- قصه‌گویی برای کودکان کم‌سال

در جلسات قصه‌گویی برای کودکان سه تا پنج ساله معمولاً کودکان از والدین یا مراقبین خود جدا شده و به‌تنهایی در جلسه حاضر می‌شوند. معمولاً قصه‌گو بر یک چهارپایه و یا صندلی کوتاه و بچه‌ها روی یک فرش به شکل نیم‌دایره در اطراف او می‌نشینند. قصه‌گو در حالی که کتاب را گشوده و به سمت کودکان می‌گیرد قصه را تعریف می‌کند. در این شرایط، بچه‌ها در حالی که قصه را می‌شنوند می‌توانند تصاویر مربوطه‌ی کتاب را نیز ببینند. این عمل بدان معنا است که قصه‌گو کاملاً با قصه آشناست و روند قصه را با تصاویر کتاب به‌صورت هماهنگ پیش می‌برد. در قصه گفتن برای کودکان کم‌سن به این نکات دقت کنید:

(۱) قصه را به‌گونه‌ای طبیعی و بی‌شتاب بخوانید. صدایی آرام و دل‌نواز، کودکان را به گوش‌سپردن بادقت برمی‌انگیزد. پس، با احساس و ابراز آن در چهره‌ی خود، کتاب را بخوانید.

(۲) کودکان کم‌سال از بارها شنیدن قصه‌ای واحد لذت می‌برند. در عین حال شما می‌توانید هر بار نکته‌هایی تازه به قصه‌های تکراری و آشنا اضافه نمایید.



۳) کودک پیش‌دستانی به‌گونه‌ای مقاومت‌ناپذیر مجذوب شعر است. از این امکان برای جذاب‌تر شدن جلسه‌ی قصه‌گویی استفاده کنید.

۴) انعطاف‌پذیر باشید و خود را با شرایط، توانایی‌ها و خلق‌وخوی کودک هماهنگ نمایید. اگر بچه‌ها خسته می‌شوند مسیر کار را با یک آواز، نمایش با عروسک‌های انگشتی و یا یک بازی تغییر دهید. بچه‌های کوچک شیفته‌ی قصه‌هایی هستند که به کمک اشیائی همچون عروسک‌ها و یا همراه با برش کاغذ روایت شود.

جلسه‌ی قصه‌گویی برای پیش‌دستانی‌ها معمولاً ۲۵ تا ۳۰ دقیقه به طول می‌انجامد. شما می‌توانید با فعالیت‌های بعد از قصه همچون بازی‌های نمایشی یا حرکات خلاق مبتنی بر قصه یا بازگویی قصه توسط کودکان و با استفاده از تصاویر جلسه‌ی قصه‌گویی را به اتمام برسانید.

### ۵-۳- قصه‌گویی برای نوجوانان

هنگامی که نوجوان خود را در معرض تغییرات درونی، انتظارات دیگران در زندگی اجتماعی، و محدودیت‌ها می‌بیند احساس می‌کند که مورد هجوم قرار گرفته است. در این شرایط ایجاد رابطه‌ای صمیمانه با نوجوان و گفت و شنود با او می‌تواند بسیار قدرتمند و تأثیرگذار باشد. بنابراین گمان نکنید که قصه‌گویی برای این گروه سنی مهم نیست. این امر برای آن‌ها، حتی از کودکان دارای اهمیت بیشتری می‌باشد.

شگفت‌آور نخواهد بود که نوجوانان قصه‌هایی را دوست داشته باشند که چالش فکری بیشتری را برانگیزد و از نظر روانی پیچیده‌تر باشد، در آن شخصیت‌هایی که لزوماً خوب و یا بد نیستند حضور داشته باشند، ارزش‌های پذیرفته‌شده و مراجع قدرت را به سخره گیرد، بعضی جنبه‌های تاریک‌تر و پوشیده‌تر زندگی را مطرح سازد و فرصت مواجهه با موجودات و موقعیت‌های ترس‌آور را فراهم آورد، شامل تعارضات خانوادگی باشد، پیچیدگی‌های عشقی، جسمی و عاطفی را به تلویح نشان دهد، و درباره‌ی احساس ضعف و فایق آمدن بر آن سخن بگوید. بعضی از انواع مناسب قصه برای نوجوانان عبارتند از:

۱) قصه‌های اسطوره‌ای، قهرمانی و افسانه‌ها

۲) قصه‌های تاریخی

۳) قصه‌هایی از مسائل و تعارضات زندگی

۴) قصه‌های معمایی یا پلیسی

۵) قصه‌های علمی-تخیلی

در آغاز جلسه قصه‌گویی برای نوجوانان اگر شنوندگان با اهمیت و ارزش قصه‌گویی ناآشنا هستند و آن را به استهزاء می‌گیرند، بهتر است فوراً این عقیده را که «قصه‌گویی فقط برای کودکان مناسب است»، نقد کنید و اهمیت قصه‌گویی برای نوجوانان را به شکلی صمیمانه و پرشور بیان کنید تا مخاطبین آرام گیرند و از برنامه لذت ببرند.

برای شروع، قصه‌ای کوتاه و مقدماتی را در نظر بگیرید و به شیوه‌ای ساده و بی‌پیرایه آن را بازگو کنید. از تغییرات مبالغه‌آمیز صدا یا روش بیش از حد نمایشی پرهیز نمایید. به این ترتیب، قصه‌گویی را به تجربه‌ای راحت برای شنونده بدل می‌کنید. نوجوانان، همچون بزرگسالان، با قصه‌ی مقدماتی شما ارتباط برقرار می‌نمایند و به‌سرعت مجذوب آن می‌شوند و بدین ترتیب به‌جای اینکه دوستان خود را اذیت کنند و چشم‌های خود را به این طرف و آن طرف بگردانند تا به همسالان خود نشان دهند که در فعالیت‌ی کودکانه درگیر نشده‌اند، می‌توانند آرام بگیرند و به برنامه گوش بسپارند.

بعضی از قصه‌گوها برنامه‌ی خود را با یک قصه‌ی تکان‌دهنده آغاز می‌کنند که شنوندگان را از جا می‌پراند یا با قصه‌ی طنز که همه را به خنده می‌اندازد و موجب می‌شود با احساس راحتی بیشتری جلسه را شروع نمایند. از این پس رابطه‌ای خوب شکل می‌گیرد و شما می‌توانید این رابطه را با گفتن یک قصه‌ی مناسب استحکام ببخشید.

به محض اینکه شنوندگان دریابند که با برنامه‌ای لذت‌بخش و قصه‌گویی صمیمی مواجهند، خواهند توانست از انواع وسیع‌تر سبک‌ها و محتواهای داستانی لذت ببرند و بدین ترتیب به قصه و فرآیند قصه‌گویی علاقه‌مند خواهند شد. قسمت میانی و پایانی برنامه می‌تواند شامل انواع قصه‌هایی که پیش از این برشمرده شد، باشد. قصه‌هایی که ممکن است تمرکز فکری بیش‌تری بطلبد یا درگیری عاطفی ژرف‌تری لازم داشته باشد. حداقل یک قصه‌ی آرام،



لطیف و عاطفی درباره‌ی بعضی تعارضات و مسائلی که نوجوان با آن درگیر است در برنامه بگنجانید. چنین قصه‌هایی لزوماً واکنشی آشکار برنمی‌انگیزند اما اغلب از نوعی هستند که به بهترین شکل ممکن به یاد می‌مانند و بیش‌ترین تأثیر را دارند.

## ۶- کودکان و نوجوانان در مقام قصه‌گو

کودکان بزرگ‌تر از گفتن قصه برای بچه‌های کم‌سال لذت می‌برند و اینان نیز با اشتیاق به تمایل بزرگ‌ترها، پاسخ می‌دهند. ایجاد این فرصت برای بچه‌ها که بتوانند در مقام قصه‌گو قرار گیرند و لذت تقسیم کردن یک داستان خوب با دوستانشان را بچشند فواید بسیاری دارد از جمله:

✓ آشنا شدن کودکان با هنر قصه‌گویی برای لذت بردن خودشان و سرگرم کردن دیگران؛

✓ ایجاد انگیزه در بچه‌ها برای خواندن منابع موجود در کتابخانه و استفاده از آن‌ها؛

✓ پرورش قوه تخیل کودک؛

✓ افزایش مهارت‌های ارتباطی: شنیدن، صحبت کردن و خواندن؛

✓ آشنا شدن کودکان با انواع ادبیات؛

✓ افزایش اعتماد به نفس کودک.

هر قصه‌گو باید بیاموزد که از عهده‌ی مخاطبین گوناگون و قصه‌های مختلف و موقعیت‌های متفاوت برآید؛ همچنین اصطلاحات رایج زبان و شیوه‌های انتقال مفاهیم را درک کند. هم‌زمان با قصه‌گویی درک کودکان از ساختمان قصه و زبان قصه‌گویی، توانایی قصه‌نویسی کودکان نیز گسترش می‌یابد. در بعضی مدارس، قصه‌گویی بخشی از برنامه‌ی آموزش مهارت‌های زبانی شده است. در چنین حالتی، دیگر قصه‌گویی یک فعالیت دلخواهی نیست و اهمیتی ویژه پیدا می‌کند؛ در این صورت معلم می‌تواند محیطی برانگیزاننده تدارک ببیند. به عنوان مثال برخی معلمان «صندلی قصه‌گو» را تعیین می‌کنند و هرکس که بر آن بنشیند حق صحبت دارد و می‌تواند قصه‌گوی آن روز باشد.

### منابع مورد استفاده:

- ۱- هنر و فن قصه‌گویی، الین گرین، طاهره آدینه پور، انتشارات ابجد ۱۳۷۸
- ۲- قصه‌گویی در خانه و خانواده، آنا پلویسکی، مصطفی رحماندوست، انتشارات مدرسه ۱۳۷۶
- ۳- چگونه برای بچه‌ها داستان بنویسیم، مانوراما یافا، مهرداد تهرانیان راد، انتشارات سروش ۱۳۸۵
- ۴- قصه و قصه‌گویی، زهرا مهاجری، انتشارات جهاددانشگاهی مشهد ۱۳۸۲